



هالیوود تصور می‌کند یا تعریف کردن قصه‌های چینی، دومین گیشه پردرآمد جهان را به دست می‌آورد اما در ۲–۳ سال گذشته پروژه‌های سینمایی بزرگ آمریکایی که بازار چین را هدف قرار داده بودند، یکی پس از دیگری شکست خوردند

# مولان

## ۲۰۲۰



سینمایی لایو اکشن بر اساس انیمیشنی به همین نام (۱۹۹۸- والت دیزنی) اقتباس از فولکلور چینی «تصنیف مولان» قرن چهارم میلادی ساخت آمریکا- والت دیزنی پیکچرز کارگردان: نیکئی کارو

**بازیگران**  
لیو بی فنی (مولان)  
دانی بین (فرمانده تانگ)  
یوسون آن (چن هونغو، همزرم مولان)  
جیسون اسکات لی (بوری خان)  
گونگ لی (جادوگر ژیانینگ)

**زنی ما (هوا ژو، پدر مولان)**  
جت لی (امپراتور)  
**موسیقی:** هری گرگسون- ویلیامز  
**فیلمبردار:** مندی واکر  
**آغاز اکران:** ۴ سپتامبر ۲۰۲۰ (ایالات متحده)  
**مدت زمان:** ۱۱۵ دقیقه

هزینه ساخت: ۲۰۰ میلیون دلار  
فروش گیشه: ۷۰ میلیون دلار



### شکست تجاری نسخه سینمایی مولان

# توقف هالیوود پشت دیوار چین

**شروین طاهری:** مولان، ۱۶ آوریل پس از تولد افسانه‌اش در عصر خاندان «وی» و ۲۲ سال پس از آنکه نخستین نسخه پویانمایی‌اش توسط والت دیزنی بازآفرینی شد، بار دیگر پکن پایتخت امپراتوری آسمانی را از حمله خان مغول نجات داد؛ با این حال حتی این دختر قهرمان اساطیری چینی هم نتوانست مهم‌ترین پروژه آسیایی هالیوود را از ورشکستگی نجات دهد.

ساخت دوباره اثری پرهزینه بر اساس انیمیشن مولان (۱۹۹۸) جای تعجب دارد و بیشتر یک تلاش کورکورانه فرهنگی و حتی چه بسا سیاسی از سوی هالیوود برای پل زدن بر شکاف فرهنگی ۲ کشور آمریکا و چین به نظر می‌رسد؛ شکافی که در عصر ترامپ تبدیل به یک دره شد و هنوز هم در حال فراخ‌تر شدن است. انگاز هالیوود که به لحاظ سیاسی به موکرات‌ها نزدیک‌تر است برای خود رسالتی قائل بوده که هر طور شده ازنده‌های زرد را اگر هم با فیل جمهوری‌خواه سر خصوصت پیدا کرده، دست‌کم با الاغ دم‌مکرات آشتی دهد. البته این تلاش کورکورانه در داخل هالیوود و در کل صنعت سرگرمی‌سازی آمریکا مفهومی مقدس- چه در چارچوب ارزش‌های سرمایه‌داری یا جنگ صلیبی غرب یا شرق- دارد.

با این وجود و به رغم آگاهی از انگیزه‌های خاصی پشت‌سر ساخت اثری آمریکایی بر مبنای یک اسطوره محبوب چینی، باز هم از منظر سینمایی و اقتصادی نمی‌توان بر مجموعه شکست‌های هالیوود در بازار چین آن هم در عصر رونق بین‌المللی سینمای آمریکا چشم بست.



هالیوود تصور می‌کند با تعریف کردن قصه‌های چینی، دومین گیشه پردرآمد جهان را به دست می‌آورد اما در ۲-۳ سال گذشته پروژه‌های سینمایی بزرگ آمریکایی که بازار چین را هدف قرار داده بودند، یکی پس از دیگری شکست خوردند تا هوس جاه‌طلبانه آنها ضرری چندصدم میلیون دلاری روی دستشان نگذارد. بدتر از ضرر اما به وجود آمدن این نگرش است که هالیوود دیگر سلطان سینمای جهان نیست یا حتی اگر هنوز هم باشد وقتی به شرق آسیا می‌رسد دیگر در عبور از دیوار چین که حدود یک پنجم جمعیت جهان و در همین حدود گردش مالی اقتصاد سینمایی دنیا را به خود اختصاص داده، موفق عمل نمی‌کند.

می‌توان دلایل و بهانه‌های زیادی برای عدم اقبال چینی‌ها به فیلم‌های هالیوودی پرهزینه‌ای مثل مولان (۲۰۲۰)، وداع (۲۰۲۰)، آسیای‌های دیوانه پولدار (۲۰۱۸) و سه‌گانه جنگ ستارگان (۲۰۱۹-۲۰۱۵) آورد که تمام یا بخشی از سرمایه‌گذاری‌شان به امید بازار چین بوده است.

این شکست‌ها باعث شده از هم‌کنون بازار به بازدهی اکران نخستین مارول را رهبری یک قهرمان (چینی) آسیایی یعنی فیلم شانگ چی و افسانه ده حلقه نیز چندان خوشبین نباشد. انتخاب سیمو لئو، بازیگر کانادایی- چینی در نقش اصلی این فیلم نمونه‌ای از شکاف فرهنگی بین مخاطبان غربی هالیوود و چینی‌هاست. آنها از خودشان می‌پرند چرا قهرمان چینی در فیلم‌های آمریکایی آندکد که باید با معیارهای جامعه امروز چین زیبانیستند.

قطعا همه‌گیری کرونا - که عمده سالن‌های سینما را تاریک و خالی از تماشاگر کرده - مهم‌ترین بهانه ساکنان بلاوار «سان ست» لس‌آنجلس در ۱۰ ماه اخیر محسوب می‌شود اما این دلیل چندان محکمه‌پسندی نیست چون سابقه شکست‌های فیلم‌های آمریکایی در بازاری با بیش از یکمیلیارد مخاطب بالقوه که تازه روی بازاری به اندازه نیم میلیارد نفر در کشورهای شرق، جنوب شرق و مرکز آسیا نیز تأثیر می‌گذارد، دست‌کم به ۳ سال پیش بازمی‌گردد.

در این صورت می‌توان تقصیر را به گردن ترامپ انداخت که بی‌سابقه‌ترین موج چینی‌هراسی در ایالات متحده از زمان مانو تاکنون را همراه با یک جنگ اقتصادی تمام‌عیار علیه ازدهای زرد به راه انداخت؛ جنگی که ناگزیر به حوزه فرهنگی هم کشیده شد و بعد از تحریم شبکه اجتماعی چینی پرفرود تیک تاک قطعاً همه‌گیری کرونا - که عمده سالن‌های سینما را تاریک و خالی از تماشاگر کرده - مهم‌ترین بهانه ساکنان بلاوار «سان ست» لس‌آنجلس در ۱۰ ماه اخیر محسوب می‌شود اما این دلیل چندان محکمه‌پسندی نیست چون سابقه شکست‌های فیلم‌های آمریکایی در بازاری با بیش از یکمیلیارد مخاطب بالقوه که تازه روی بازاری به اندازه نیم میلیارد نفر در کشورهای شرق، جنوب شرق و مرکز آسیا نیز تأثیر می‌گذارد، دست‌کم به ۳ سال پیش بازمی‌گردد.

در این صورت می‌توان تقصیر را به گردن ترامپ انداخت که بی‌سابقه‌ترین موج چینی‌هراسی در ایالات متحده از زمان مانو تاکنون را همراه با یک جنگ اقتصادی تمام‌عیار علیه ازدهای زرد به راه انداخت؛ جنگی که ناگزیر به حوزه فرهنگی هم کشیده شد و بعد از تحریم شبکه اجتماعی چینی پرفرود تیک تاک قطعاً همه‌گیری کرونا - که عمده سالن‌های سینما را تاریک و خالی از تماشاگر کرده - مهم‌ترین بهانه ساکنان بلاوار «سان ست» لس‌آنجلس در ۱۰ ماه اخیر محسوب می‌شود اما این دلیل چندان محکمه‌پسندی نیست چون سابقه شکست‌های فیلم‌های آمریکایی در بازاری با بیش از یکمیلیارد مخاطب بالقوه که تازه روی بازاری به اندازه نیم میلیارد نفر در کشورهای شرق، جنوب شرق و مرکز آسیا نیز تأثیر می‌گذارد، دست‌کم به ۳ سال پیش بازمی‌گردد.

توسط دولت ترامپ و مقابله به مثل پکن و واشنگتن در محدود کردن فعالیت رسانه‌های یکدیگر در خاک خود، هفته گذشته با لغو یکجانبه ۵ برنامه مشترک فرهنگی ۲ کشور از طرف آمریکا به لوج رسید.

موضوع اینجاست که حتی در کشاکش این جنگ فرهنگی، هالیوود بزرگ‌ترین خیز را به سوی گیشه چین برداشت که پروژه سینمایی ۲۰۰ میلیون دلاری مولان، یک لایو اکشن اساطیری بر اساس انیمیشن موفق دیزنی به همین نام و بر اساس یک افسانه کهن و محبوب چینی، نماد حرص زیاد آمریکایی‌ها برای درآیدن جرم مقدس از قلمرو رقیب است. والت دیزنی که اساساً روی احساس غرور مخاطبان چینی به تمدن کهن‌شان ساخته شده بود و برای جلب همراهی همه‌جانبه حزب سنج‌سختگیر کمونیست چین قید جهان‌بینی لیبرال را زده و بسیاری از ملاحظاتی و خطوط قرمز آمریکایی علیه حاکمیت پکن را نادیده گرفته بود، در نهایت فقط ۱۰ درصد هزینه‌هایش را از سرزمین ازدها بازگرداند. مولان ۲۰۲۰ طی اکران ۳ ماهه‌اش در گیشه‌های چین فقط ۲۳/۲ میلیون دلار فروخت که حدود یک‌دهم کل فروشش در ایالات متحده و جهان یعنی رقم ۷۰ میلیون دلار را شامل می‌شد.

این را مقایسه کنید با انیمیشن مولان (۱۹۹۸)، موزیکال دیزنی با رویکردی عمدتاً کودکانه‌ای که داشت بیش از ۲ برابر هزینه تولید ۹۰ میلیون دلاری‌اش را بر گرداند (۳۴۰ میلیون دلار). البته ناگفته نماند که آن انیمیشن نخستین نیز بازدهی ناچیزی در گیشه شرق آسیا داشت اما دست‌کم می‌توان گفت که والت دیزنی در چین دهه ۱۹۹۰ که هنوز صنعت سینما و اکران

دوشنبه ۱۷ آذر ۱۳۹۹  
وطن امروز | شماره ۳۰۹۱  
سینما

### داستان فیلم

### دختری شجاع که جای پدرش را می‌گیرد

قصه این فیلم تا حدود زیادی با انیمیشن مولان منطبق است. هوا مولان، دوشیزه جوان ماجراجویی از یکی از روستاهای شمال چین در عصر یکی از امپراتوری‌های باستانی این سرزمین پیش از حمله مغول با خانواده‌اش زندگی می‌کند. به دنبال حمله لشکر دهاتی- یا در زبان ماندارین وحشی‌ها که نماد اقوام هون یا مغول هستند- به رهبری بوری خان از آن سوی دیوار چین، امپراتور ماموری را برای سربازگیری نزد پدر مولان به نام هوا ژو می‌فرستد اما ژوی کهنه‌سرباز فوت‌تر از آن است که بتواند به خدمت سربازی برود و دخترش این موضوع را درک می‌کند او با زره لشکر امپراتور به فرماندهی تانگ می‌پیوندد و موفق می‌شود با مهارت‌های تیراندازی و جسارتش مهاجمان وحشی را در یک دره کوهستانی زمینگیر کند. علاوه بر بوری خان که یک شخصیت شبه‌مغول تومنود، مقتدر، خشن، بی‌رحم و کینه‌توز است، جادوگری به نام ژیانینگ (بری) نیز در نقش یک شخصیت منفی مونث علیه امپراتور و مولان و به نفع مهاجمان دسیسه‌چینی می‌کند. این جادوگر که توانایی تبدیل شدن به پرنده و موجودات دیگری از جمله مشاور امپراتور و سربازان او را دارد، پس از نقش قهرمانانه مولان در نخستین جنگ، هویت زنانه او را به فرماندهان و هم‌زمانش لو می‌دهد و از آنجا که جنگیدن زنان طبق سنت کهن ممنوع است، دختر قهرمان از ارتش طرد می‌شود و به روستای خود بازمی‌گردد. در همین احوال ژیانینگ قصد جان او را می‌کند اما متوجه می‌شود که مولان نیز به واسطه میراث اجدادش که به شکل ارواح خانوادگی بر او ظاهر می‌شوند، قدرتی جادویی دارد. در جریان این جدال، مولان متوجه انگیزه‌های جادوگر می‌شود و درمی‌یابد توانایی‌های او نیز توسط جامعه نادیده انگاشته و طرد شده و نفرتی زنانه از نظام سیاسی و طبقاتی موجود وجودش را فرا گرفته است. همچنین دختر قهرمان از لابه‌لای حرف‌های ژیانینگ متوجه می‌شود حمله نخست لشکر بوری خان همراه کشته‌بده و هدف اصلی تسخیر پایتخت و کشتن امپراتور به انتقام خون نزدیکانش است. مولان هم‌زمان با تهاجم بزرگ وحشی‌ها به کاخ پادشاهی و در حالی که آنها قصد دارند شخص امپراتور را زنده بسوزانند، سر می‌رسد و با عده‌ای از همراهانش با جرات و چابکی جلوی آنها را می‌گیرد و پادشاه راز جنگ‌شان نجات می‌دهد. در همین زمان بوری خان با کمان تیری را به سوی امپراتور پرتاب می‌کند که ناگهان جادوگر ژیانینگ که حالا از گذشته خود نام‌دیده شده، خود را احاط کرده و قربانی می‌شود. در نهایت مولان به رغم شکستش شمشیر نشان‌دار پدرش موفق می‌شود غول پر هیبت خان را از پا درآورد. پس از این پیروزی امپراتور از مولان می‌خواهد گارد ویژه دربارش باشد اما او نمی‌پذیرد و به خانه روستایی‌اش بازمی‌گردد. سرانجام امپراتور برای قدرانی از خانواده هوا، شمشیر و نشانی سلطنتی برای پدر مولان می‌فرستد و دختر از پدر اجازه می‌گیرد که به خدمت ارتش درآید.

### حاشیه‌ها

نخستین نمایش مولان در ۹ مارس ۲۰۲۰ در هالیوود که آغاز اکران داخلی و خارجی آن بود به دلیل جهان‌گیری کرونا چندین بار به تعویق افتاد تا اینکه در نهایت در تاریخ ۴ سپتامبر ۲۰۲۰ در ایالات متحده به نمایش درآمد.

حین اکران فیلم در چین، موج اعتراضات به حمایت لیو بی فنی (بازیگر نقش مولان) از سرکوب مخالفان غرب‌گرای هنگ کنگ شکل گرفت و معترضان خواستار تحریم فیلم در هنگ کنگ، تایوان و تایلند شدند. هم‌زمان هشتگ «مولان را بایکوت کنید» در توئیتر ترند شد.

### س‌ق‌اب

### آخرین شکست‌های هالیوود در چین



**وداع (۲۰۱۹)**  
این فیلم آمریکایی که مورد تحسین منتقدان قرار گرفت، داستان یک زن آمریکایی- چینی را روایت می‌کند که برای دیدار مادر بزرگ در حال مرگ به میهن اجدادش بازمی‌گردد. کارگردان و فیلمنامه‌نویس آن نیز «لولو وانگ» یک خانم آمریکایی- چینی است و او کوفتین باز یوگر چینی تبار زنده گلدن گلوب نقش اول این فیلم را که عمده گفت‌وگوهایش به زبان ماندارین (چینی مدرن) انجام می‌شود، برعهده دارد. برخلاف انتظارات هالیوود این فیلم از نسوی مخاطب چینی تا حد زیادی نادیده انگاشته شد و به شکلی فاجعه‌بار تنها ۵۸۰ هزار دلار در گیشه این کشور فروخت. همان‌اندک تماشاگران چینی هم انتقادهای تندی داشتند و داستان فیلم را کسل‌کننده و فاقد حرف اساسی می‌دانستند. عمده مخاطبان چینی در شبکه‌های اجتماعی انگیزه سازندگان هالیوودی در انتخاب بازیگری مثل او کوفتین را که از نظر آنها زشت رو است، زیر سوال بردند و نشانه سوءنیت آمریکایی‌ها برای زشت جلوه دادن چینی‌ها دانستند. همچنین لچه چینی عجیب بازیگر نقش اول بازخوردی منفی داشت و نشان می‌داد هالیوود نسل‌های مختلف مهاجران چینی به ایالات متحده را نمی‌شناسد.

**آسیای‌های دیوانه پولدار (۲۰۱۸)**  
یک فیلم هالیوودی آسیایی محور دیگر با بازیگران چینی تبار که در آمریکا با فروشی ۱۷۴ میلیون دلاری موفق بود اما در گیشه چین شکست خورد.

**سه‌گانه جنگ ستارگان**  
دیزنی تصور می‌کرد «کلی ماری تران» بازیگر آسیایی- آمریکایی در نقش اصلی این سه‌گانه می‌تواند مخاطبان شرق آسیایی را به خود جلب کند اما مشکل این بود که ختم تران ویتنامی تبار بود و از نظر چینی‌ها مثل این بود یک ایتالیایی بخواد نقشی جذاب را برای انگلیسی‌ها بازی کند!

## این آن مولان آشنای ما نیست گمشده در تغییر ژانر و بازی‌های فیمینیستی

| محمدامین همدانی\* |

من جزو کسانی بودم که برای نمایش مولان سینمایی لحظه شماری می‌کردم تا شباهت‌ها و تفاوت‌هایش با آن کار تون خاطر هانگیز دوران کودکی‌ام را محک بزیم. فیلم را بدون درنگ تماشا کردم و بدون درنگ سرد شدم. مشکل مولان در وهله اول مشکل عمده لایو اکشن‌های اخیر دیزنی است که غیر از شیرشاه که به فروش میلیارد دلاری رسید، بقیه با چندان اقبالی مواجه نشدند. برخلاف شیرشاه، مولان مانند علاءالدین و دیگر انیمیشن‌های محبوب دیزنی در تبدیل به اثری سینمایی، خیلی از ویژگی‌های آشنایش را از دست داد.

بی‌دلیل نیست که نسبت هزینه به فروش مولان پویانمایی با مولان سینمایی در فاصله ۲۲ سال تقریباً عکس شده است؛ نسخه قدیمی ۳ برابر هزینه فروخت و نسخه جدید یک‌سوم هزینه تولید را هم در نیاورده است. همین که کارگردانی انیمیشن مولان را تونسی پنکرافت با کوله‌باری از تجربه بر عهده داشت ولی «بیگ پروداکشن» ۲۰۰ میلیون دلاری سینمایی مولان را خانم نیکئی کارو کارگردانی کرد که پیش از آن هیچ تجربه بزرگی نداشت، گویای همه چیز است. یک جور اعتماد به نفس زنانه بر نحوه کارگردانی فیلم حاکم است. گوی ایشان خیالش از بابت اینکه سوار همان فیلمنامه آشنای قبلی شود و بیننده خودش ارتباط برقرار می‌کند، راحت بوده است. در نتیجه به جای یک فیلم منسجم انگار داریم سکانس‌هایی به هم پیوسته تماشا می‌کنیم.



از طرف دیگر ژانر دختر ماجراجوی پسرگونه مثل مولان یا زاندارک اگر در دهه ۱۹۹۰ جذاب بود، در دنیای امروز به خاطر مد شدن شباهت فاصله بین زن و مرد دیگر بکر نیست و جذابیت چندان برای مخاطب جهانی ندارد. دیگر مشکل ژانری مولان جدید این است که آن کار تون با فضای سرخوش و جادویی‌اش جای خود را به یک ژانر ابرقهرمانی داده است. به جای آن دخترک ظریف و بازیگوش که رفته رفته همراه با مخاطب جلو می‌رفت و رشد می‌کرد، در این فیلم با یک دختر جدی مواجهیم که در نسخه کار تونی جذاب بودند، جایی در روایت مدرن ندارند. شاید فیلم از لحاظ جلوه‌های بصری برجستگی‌هایی داشته باشد، مثل کاراکتر جادوگر که خیلی زیبا تبدیل‌پذیر برنده می‌شود یا قاب‌های حرکت‌تهای مولان در طبیعت اما تغییرات ناگهانی در ماجراهای فیلم، برای مخاطب بی‌معناست؛ مثل تبدیل ناگهانی شخصیت منفی جادوگر به شخصیت مثبت یک فدایی. انگار که سازنده می‌خواست به زبان سینمای چین نزدیک‌تر شود که در آن تحولات ناگهانی و تعجب‌برانگیز معمول تر است. از این منظر پرش‌های بزرگ در روایت فیلم نه تنها در تناقض با زبان انیمیشن دیزنی است، بلکه مخاطب را گیج هم می‌کند. به همین دلیل با آنکه تمام هم و غم دیزنی برای سرمایه‌گذاری ۲۰۰ میلیون دلاری روی این فیلم، در آمد از گیشه چین بوده است اما فیلم در روایت به ذائقه چینی‌ها هم الکن بوده و مخاطب چینی نیز فیلم را جواب می‌کند.

هر مخاطب چینی - یا غیر چینی - از جرّش‌های ناگهانی شخصیت ضدقهرمان به ابرقهرمان یا مواجهه با ۲ ضدقهرمان در آن واحد گیج می‌شود. یکی دیگر از مشکلات فیلم حواشی سیاسی است که هم به روایت فیلم و هم به ظاهر و باطنی نماهنگ‌دگر باشی فیمینیستی قرار دهد که شیبه بن‌سلمان، ولیعهد سعودی انتخاب شده بود، در اینجا هم کم نبوده است، چون می‌بینیم که هیچ اشاراتی به هویت اقوام مهاجم که قاعدتا باید هون‌ها یا مغولان باشند نمی‌شود. همچنین شاهد نظیر سازی‌های سیاسی در چهره کاراکترهای اصلی فیلم هستیم. مانند لایو اکشن علاءالدین پار سال که ضدقهرمانش یعنی جعفر (وزیر اعظم) بسیار مهم‌بن‌سلمان، ولیعهد سعودی انتخاب شده بود، در اینجا هم بازیگر نقش پدر مولان که قاعدتا باید محبوب‌ترین شخصیت فیلم بعد از خود مولان باشد، بسیار شبیه شی چین پینگ، رهبر چین است. از طرف دیگر مشخص است خانم کارواصرار دارد شخصیت جادوگر یا بری را به شکل ظاهری و باطنی نماهنگ‌دگر باشی فیمینیستی قرار دهد که علیه نظم مردانه موجود شوریده اما در نهایت برای آنکه این ضد قهرمان فیمینیست را تبدیل به شخصیتی مثبت کند، مجبور به چرخش ناگهانی صحنه‌های پایانی می‌شود. انگار سازنده به جای آنکه ما به عنوان مخاطب درباره پیام فیلم نتیجه‌گیری کنیم، خودش تعدد دارد نتیجه‌گیری سیاسی کند.

\*مدیر خانه انیمیشن